

روایتی درباره ساخت بیمارستان بیمه که امروز به ۱۷ شهریور معروف است

اولین بیمارستان تامین اجتماعی در مشهد



پشت کارت‌پستالی که تصویر بیمارستان بر آن نقش بسته است

۱۷ شهریور تغییر نام داد، یکی از آن هاست.

- نخستین بیمارستان تأمین‌اجتماعی در مشهد

ساخت یک بیمارستان در دههٔ ۴۰ و ۵۰ه‍.ان قدر اهمیت داشت‌که بیشتر مطبوعات آن زمان به‌عنوان یک خبر مهم به آن بپردازند. بیمارستان ششم‌بهمن نیز از این قاعده مستثنا نبود و وقتی در سال ۱۳۴۸ افتتاح شد، روزنامه‌های خراسان و آفتاب شرق در مشهد و کیهان و اطلاعات در تهران اخبار آن را پوشش و یک صفحه از جریده‌شان را به آن اختصاص دادند. «جمشید بهدین» کسی بود که در آن سال‌ها مسئولیت اداره کار و بیمه‌های تأمین‌اجتماعی خراسان را برعهده داشت و جراید از او به‌عنوان یک چهره جوان و کارآمد یاد می‌کنند.

طبق گزارش روزنامه خراسان در آن سال، حدود ۱۷هزار و ۸۴۸ بیمه‌شده در ۹۵۰ کارگاه شهر مشهد وجود داشته‌است که بادر نظر گرفتن خانواده‌ها حدود ۸۵هزار نفر تحت پوشش بوده‌اند و دو درمانگاه با هشت واحد پزشکی با حدود ۲۱ پزشک به آنان خدمات ارائه می‌کرده‌اند.

سازمان بیمه آن زمان در مشهد صاحب بیمارستان اختصاصی نبوده و با چند بیمارستان قرارداد بسته بوده‌است تا کارگزارانی که احتیاج به مداوا داشته‌اند به آن‌ها مراجعه کنند. این جریده در ادامه، دلیل ساخت بیمارستان ششم‌بهمن را چنین ذکر می‌کند؛ «چون امور درمانی به‌طور متفرق مطلوب نبود، اقداماتی به عمل آمد و برای ساختن بیمارستان مجهزی تصمیماتی اتخاذ و پس از آن سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران خراسان اقدام به ساختمان بیمارستان بسیار مدرن و مجهز ششم‌بهمن با ۱۷۰ تختخواب نمود و پس از افتتاح این بیمارستان کلیه قراردادها با بیمارستان‌های خصوصی لغو خواهد شد.»

- آمار بیمه‌شدگان مشهد در سال ۱۳۴۷

روزنامه اطلاعات نیز در ۱۷ بهمن سال ۱۳۴۷ گزارشی مبسوط در جریده‌اش به چاپ می‌رساند و دلیل ساخت این بیمارستان را برخورداری عموم کارگران خراسان از مزایای قانون کار و بیمه‌های اجتماعی ذکر می‌کند که پیش از افتتاح بیمارستان به چاپ می‌رسد. طبق این گزارش، سازمان بیمه‌های اجتماعی مبلغ ۱۰ میلیون تومان صرف هزینه ساختمان مجهز و مدرن بیمارستان کرده و میلیون‌ها تومان نیز صرف خرید وسایل پزشکی و سایر تجهیزات برای آن شده‌است. اطلاعات می‌نویسد؛ «این بیمارستان دارای ۱۵۰ تخت و قابل توسعه تا ۲۵۰ تخت می‌باشد و با بخش‌های جراحی، زایمان، داخلی، قلب، گوش و حلق و بینی و درمانگاه تخصصی یکی از بیمارستان‌های بی نظیر و مجهز و نمونه در کشور است.»

موضوع همکاری دانشکده پزشکی مشهد با بیمارستان جدیدالتأسیس یکی دیگر از نکاتی است که در مطبوعات بر آن تأکید شده‌است. طبق آمار است که روزنامه اطلاعات ارائه می‌دهد در شش‌ماه نخست سال ۱۳۴۷ تعداد ۸۷ هزار و ۹۴۵ نفر کارگر و خانواده آن‌ها از طرف سازمان بیمه‌های اجتماعی به درمانگاه

وابسته معرفی شده‌اند و تعداد ۱۹۴۹ نفر بیمه‌شده

در شش بیمارستان و زایشگاه طرف قرارداد بستری و درمان شده‌اند.

همچنین ۲ هزار و ۵۴ نفر از کارگران مشمول قانون کار و بیمه‌های اجتماعی از خدمات بیولوژی و آزمایشگاهی بهره‌مند شده‌اند. این آمار چرایی لزوم افتتاح یک بیمارستان اختصاصی برای بیمه‌شدگان را در مشهد آن سال‌ها بیشتر مشخص می‌کند.

- مدرن و مجهز در کوهسنگی

روزنامه خراسان در گزارشی از زمان افتتاح بیمارستان درباره تأسیسات آن می‌نویسد؛ «شاید بتوان ادعا کرد این بیمارستان از مدرن‌ترین و مجهزترین بیمارستان‌های ایران است که اختصاص به طبقه کارگر دارد. این بیمارستان در زمینی به مساحت ۱۵هزار مترمربع ساخته شده و مساحت زیربنای آن ۷هزار مترمربع می‌باشد. در ساختمان این بیمارستان سعی شده کلیه تجهیزات مطابق آخرین ترقیات علم پزشکی دنیا برای طبقه کارگر خراسانی فراهم شود… این بیمارستان دارای مرکز تأسیسات و دستگاه‌های شوقاژ سانترال، آشپزخانه مجهز به دیگ‌های اتوماتیک و ظرف‌شویی‌های اتوماتیک برقی، سردخانه‌های بزرگ و رخت‌شوی خانه مجهز به دستگاه خشک‌شویی و غلتک و پرس‌های بخار می‌باشد.»

جریده خراسان از دایر بودن قسمت‌های رادیولوژی، رادیوتراپی، آزمایشگاه، درمانگاه تخصصی در قسمت‌های زنان و زایمان، داخلی، کودکان جراحی دندان پزشکی، چشم پزشکی و تزریقات نیز خبر می‌دهد. اطلاعات نیز گزارش قبلی خود را با مطلب دیگری که در ۲۹ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۴۸ خورشیدی و در زمان افتتاح بیمارستان به چاپ می‌رساند، تکمیل می‌کند. طبق آمار ارائه‌شده در روزنامه اطلاعات نیز هزینه ساختمان بیمارستان بیش از ۶۸ میلیون ریال است. وجود دو دستگاه آسانسور از دیگر امکاناتی است که برای بیمارستان در نظر گرفته شده‌است. افزون بر این درمانگاهی با دو اتاق معاینه، یک اتاق چشم و گوش و حلق و بینی، دو اتاق دندان پزشکی، داروخانه و یک اتاق جراحی و اورژانس در کنار بیمارستان به بیماران خدمات ارائه می‌کند. شرکت «کارا» سازنده این بیمارستان است که در آن زمان به‌عنوان مجهزترین بیمارستان ایران از آن یاد می‌شود.

- افتتاح بخش جدید با ۵۵ تخت

ساخت یک بیمارستان مجهز و پیشرفته با آخرین امکانات در شهر مشهد باعث می‌شود این موضوع تا مدت‌ها نقل مجلس مسئولان و مطبوعات باشد. در جلسه انجمن شهر احمدی، یکی از نمایندگان، درباره این بیمارستان می‌گوید؛ «وسایل بیمارستان مجهز بیمه‌های اجتماعی کارگران خراسان، غیر از وسایل جراحی، بقیه به دست کارگران شریف مشهد ساخته شده‌است که خود نمونه‌ای از پیشرفت صنایع خراسان و کارگران… است.» بازدید مردم از بیمارستان یکی دیگر از برنامه‌هایی است که در آن روزها زیاد



کارت‌پستالی که تصویری قدیمی از بیمارستان ۱۷ شهریور بر آن نقش بسته است

اتفاق می‌افتد. در ۲۳ مردادماه گروهی از مردم و تعدادی از شخصیت‌های برجسته از بخش‌های مختلف بیمارستان دیدن می‌کنند که این اتفاق در روزنامه خراسان بازتاب پیدا می‌کند. فقط سه سال پس از گشایش این بیمارستان بخش جدید دیگری به آن افزوده می‌شود و نایب‌التولیه آستان قدس رضوی و استاندار خراسان و دیگر مسئولان در مراسم افتتاحش حضور پیدا می‌کنند.

دکتر افشار، نخستین رئیس بیمارستان ششم‌بهمن، نیز از افزایش ۵۵ عددی تخت‌های بیمارستان خبر می‌دهد و می‌گوید؛ «کارهای ساختمانی این بخش ۵۵۵ تنخواوبی با زیربنای یک هزار مترمربع و ۵ میلیون ریال هزینه انجام شده که امروز با تجهیزات لازم مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.» با این حساب تخت‌های بیمارستانی این مرکز درمانی به بیش از دویست تخت می‌رسد.

- تغییر نام بیمارستان به ۱۷ شهریور

البته در همیشه بر یک پاشنه نمی‌چرخد و نزدیک شدن به سال ۱۳۵۷ التهاب انقلاب را به کوچه و خیابان‌های همه ایران نیز می‌کشاند. در کتاب انقلاب اسلامی و مردم مشهد از آغاز تا استقرار جمهوری اسلام، تألیف رضانعلی شاکری، درباره حوادث ۱۷ شهریور آن سال آمده‌است؛ «روز جمعه در یازده شهر ایران و در تهران و من جمله مشهد حکومت نظامی برقرار شد. صبح جمعه در خیابان ژاله تهران و اطراف آن مردم که برای تظاهرات وارد خیابان‌ها شده بودند مواجه با ستون‌های گاز اشک‌آور و شلیک هوایی می‌شوند. سربازان و درجه‌داران غافل‌گیرانه با هلیکوپتر از هوا مسلسل‌ها را به روی مردم می‌کشایند و آتش‌رگبار روی سر مردم می‌ریزند. کشتار عظیمی دست می‌دهد…» در مشهد نیز تظاهرات و زد و خورد میان مأموران و مردم رخ می‌دهد و چند نفری شهید می‌شوند. ۲۳ مهرماه روزنامه اطلاعات خبر از اعتصاب کارکنان بیمارستان ۶ بهمن می‌دهد. ۸ آبان‌ماه سال ۱۳۵۷ نیز مردم و کارمندان بیمارستان ۶ بهمن در هوای سرد و برفی تظاهرات گسترده‌ای می‌کنند و در پایان تظاهرات نام بیمارستان را به ۱۷ شهریور تغییر می‌دهند تا یاد شهدای آن روز را گرامی بدارند.

۲۲ آذرماه چند عده‌ای جماعت به‌دست و از عوامل حکومت از خیابان کو‌هسنگی وارد بیمارستان ۱۷ شهریور می‌شوند و تابلوی جدید بیمارستان را برمی‌دارند و عکس‌های شاه را نصب می‌کنند. پزشکان بیمارستان نیز پس از این ماجرا ۷۲ ساعت اعتصاب می‌کنند و از سوی مردم در مقابل عمل حکومت حمایت می‌شوند. روز بعد ماجرای حمله نظامیان به بیمارستان شاهرضا اتفاق می‌افتد و یکی از ورق‌های دردناک تاریخ مشهد ثبت می‌شود. جامعه پزشکی نیز در روزهای بعد اعلامیه می‌دهد و همبستگی خود را بار دیگر با انقلاب مردم اعلام می‌کند. پس از این‌است که نام ششم‌بهمن بر سر در این بیمارستان برای همیشه به تاریخ می‌پیوندد و جای خودش را به ۱۷ شهریور می‌دهد.



نمای فعلی سر در بیمارستان ۱۷ شهریور مشهد



شنبه
۲۳ فروردین ۱۴۰۴
۱۳ فروردین ۱۴۴۴
۲۳ فروردین ۱۳۴۴

۱۵



تاریخ و هویت



نگاهی به چند شخصیت تاریخی خراسان که همنام بوده‌اند

سرآغاز الیهارخان



هادی دقیق‌ادوره قاجار دوره استفاده افراطی از القاب است. طنز است، ولی بیراه نیست اگر بگوییم هرکه از کنار ارگ حکومتی قاجارها می‌گذشته، لقب می‌گرفته است. آتش‌لقب‌دادن قاجارها آن قدر شور شده بود که جدا از شاه و شاهزاده و درباریان، نوکران و هرکس که مختصر ارتباطی با حکومت داشت هم لقبی نامتناسب با شأن و کارش می‌گرفت.

در دوره آغامحمدخان،

لقب‌دادن وسیله‌ای بود برای ارتقای حشمت ملوکانه و به مصرف‌کنندگان لقب مشروعبت می‌بخشید و حس مسئولیت وفاداری می‌داد. یکی از این لقب‌های چشم‌کورکن و دهان‌پرکن دوره قاجار، آصف‌الدوله است. آصف در طول تاریخ ایران به وزیر دانا گفته می‌شده‌است. کمال‌الدین اسماعیل، شاعر سده ششم و هفتم هجری قمری که در حمله مغول به ایران کشته شد، آصف را چنین توصیف می‌کند؛ «آصفی چون‌کن‌دان خواجه‌که نادان باشد؟!» در میان آن‌هایی که در دوره قاجار لقب آصف‌الدوله گرفتند، سه تن بیشتر از بقیه به خراسان ربط پیدا می‌کنند، الیهارخان و عبدالوهاب‌خان و غلامرضاخان آصف‌الدوله. بخش عمده یادداشت‌های پیش‌رواز پژوهش‌های حسین سعادت‌نوری در کتاب «رجال دوره قاجاریه» و نیز مقالاتش در مجله «یغما» گرفته شده‌است و برخی هم از چندین مقاله پراکنده.

- آصف‌الدوله‌ای به نام الیهارخان

الیهارخان آصف‌الدوله پسر میرزامحمدخان دولو بود، همان فردی که وقتی آغامحمدخان، سرسلسله قاجارها، در استرآباد داعیه سلطنت کرد، بزرگان ایل قاجار او را برای سلطنت شایسته‌تر می‌دانستند. اصلاً شاید به همین دلیل است که بعدها که لقب‌ها رفتند و نام‌خانوادگی جایگزین آن‌ها شد، خاندان میرزامحمدخان نام تاج‌بخش را برای خودشان برگزیدند. البته آغامحمدخان این تاج‌بخشی میرزا را فراموش نکرد و احترام خاصی برایش قائل بود و حتی به او لقب بیگلربیگی (به‌معنی بزرگ شهر، امیرامیران پارسیس کد خدایان) دادودرنمودش. حکومت‌تهران به‌اوو اگذازمی‌شد. مأمور قتل لطفعلی‌خان، آخرین بازمانده زندیه، هم همین محمدخان بیگلربیگی بوده‌است. در دوره فتحعلی‌شاه هم بیگلربیگی‌ها عزت دیدند و حتی دختر فتحعلی‌شاه به عقد الیهارخان درآمد و خود شاه هم خواهر الیهارخان را خواستگاری کرد. جدا از این‌ها، شاه بعدی قاجار فرزند خواهر الیهارخان آصف‌الدوله بود و او دایی شاه آینده‌شده بود. در نتیجه، الیهارخان که در زمان فتحعلی‌شاه هم به صدارت رسیده بود و لقب آصف‌الدوله را از او داشت، انتظار داشت در دوره محمدشاه، نوه و جانشین فتحعلی‌شاه، هم بر صدر بنشیند.

- جنگ روس و ننگ آصف‌الدوله

دوره دوم جنگ‌های ایران و روس در زمان صدارت آصف‌الدوله بود. آن زمان عباس میرزا، نایب‌السلطنه فتحعلی‌شاه و پدر محمدشاه، در آذربایجان درگیر جنگ با روس‌ها بود. اما فتحعلی‌شاه که از اقدامات او در جنگ اول راضی نبود، آصف‌الدوله را به یاری او فرستاد. گفته می‌شود آصف‌الدوله در آنجا به اصطلاح شروع کرد به زیرآب زنی عباس میرزا و حتی از جنگی که حوالی گنجه با روس‌ها درگرفته بود، فرار کرد و در تبریز مخفی شد تا اینکه روس‌ها دستگیرش کردند. آصف‌الدوله در نهایت سال ۱۳۰۶ خورشیدی و پس از قرارداد ننگین ترکمانچای آزاد و روانه تهران شد.

پای آصف‌الدوله که به تهران می‌رسد، صدارت‌را از دست رفته می‌بیند و فتحعلی‌شاه دستور می‌دهد او را به جرم سهل‌انگاری در امور محوله به چوب ببندند. همین هم لطف خاندان قاجار به طایفه دولوها بود وگرنه همه می‌دانند که شاهان خشمگین قاجار چه بر سر تضعیف‌کنندگان حکومتشان می‌آوردند. قائم‌مقام فراهانی، صدراعظم قاجار و شاعر هم درباره آصف‌الدوله چنین سروده‌است؛ «بگریز بهنگام که هنگام گریز است/ رو در پی جان باش که جان سخت عزیز است/ از رود ارس بگذر و بشتاب که اینک/ روس است که دنبال تو برداشته ایز است/ بالله سپاهی که توش پیشروایی/ اسباب گریز است، نه اصحاب ستیز است/ نه دشمن روس است و نه در جنگ و جهاد است/ بل تازه عروس است و بی جمع چیز است/ ای خائن نان و نمک شاه ولیعهد/ حق نمک شاه ولیعهد، گریز است! / گوید که غلام در شاهنشاه ام‌ا/ بالله نه غلام است، اگر هست، کنیز است/ و آخر به من ای قوم بگویید کز این مرد/ چیزی که ولیعهد پسندیده چه چیز است؟»

- آصف‌الدوله وغالله گریبایدوف

دو سال پس از این اتفاق‌ها، یعنی سال ۱۲۰۸ خورشیدی، دوباره نام آصف‌الدوله عزل شده بر سر زبان‌ها افتاد که این بار هم در جدال با روس‌ها و باز هم با خون و خون‌ریزی همراه بود. ماجرا از این قرار است که گریبایدوف روس، شاعر و آهنگ‌سازِی که وارد دنیای سیاست شده بود و نقش اصلی قرارداد ترکمانچای از طرف روس‌ها را برعهده داشت، پس از آن قرارداد به‌عنوان سفیر روسیه به تهران آمد. او معتقد بود براساس قرارداد، گرجی‌های ساکن ایران از جمله زن و مرد باید به وطنشان برگردند. در این گیرودار، یکی از خواجه‌های دربار فتحعلی‌شاه که به دولت به‌دار بود، آمار زنان گرجی ساکن در خانه اعیان و اشراف تهران را به گریبایدوف می‌دهد که از قضا دو تن از آن‌ها مسلمان شده و در خانه آصف‌الدوله بودند. آصف‌الدوله زن‌ها را به سفارت تحویل می‌دهد، اما نزد علمای تهران هم شکایت می‌برد. گفته‌اند که هدفش شوراندن مردم علیه دولت ایران و سفارت روس بوده‌است، عالمانی که سبب بدنامی و بیکاری‌اش شده بودند. آصف‌الدوله بالاخره زحشش را می‌ریزد و مردم به حکم یکی از مجتهدان تهران به نام حاج میرزا مسیح، برای پس‌گرفتن دو کنیز خانه آصف‌الدوله که می‌گفت مسلمان شده‌اند، به سفارت روس حمله می‌کنند و گریبایدوف و چهار نفر دیگر از اعضای سفارت را با کارد و خنجر تکه‌تکه می‌کنند. نکته جالب اینکه وقتی مردم متوجه می‌شوند اسب‌های روس‌ها داخل اسپیل سفارت انگلیس‌اند، به آنجا حمله می‌کنند و بدون ذره‌ای خسارت‌زدن به سفارت انگلیس، سه‌کارمند سفارت روسیه را می‌کشند و اسب‌ها را بازپیشان می‌درزند. بدین صورت تنها شاکي ماجرا سفارت روس می‌شود و از مهاجمان هم هشتاد نفر کشته می‌شوند. دولت ایران پس از این ماجرا غرامت سنگینی از جمله الماس شاه (این الماس را نادرشاه از هند آورده بود) پرداخت می‌کند و گریبایدوف هم می‌شود قهرمان روس‌ها و همین امروز در نقبلس و مسکو هم یادمان دارد و خیابان به نامش زده‌اند. حالا ربط الیهارخان آصف‌الدوله به خراسان چیست؟ در شماره بعد می‌خوانیم.

ادامه دارد...

منابع:
اسناد موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی، اسناد موجود در مرکز اسناد اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل، شهرداری مشهد، اسناد موجود در مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران، اخبار جراید کیهان، اطلاعات، خراسان و برخی گزارش‌های چاپ‌شده در روزنامه شهرآرا



تصویری از تحصن مردم انقلابی مشهد در بیمارستان ششم بهمن (۱۷ شهریور) در آذر سال ۱۳۵۷